

دائرة المعارف بزرگ اسلامی جلد ہفتم، تهران، ۱۳۷۵

۲۸۷

اذرح

می رفت و احتمالاً یکی از منزلگاههای کاروانهای تجاری حجاز به سوی شام بود (نک: EI²). در سال ۹ق که پیامبر (ص) به همراه سپاهی از مسلمانان به سوی تبوک حرکت کرد، با اهالی اذرح و جریا به شرط پرداخت جزیه، صلح کرد. متن صلح نامه که در چند مأخذ کهن یاد شده (واقعی، ۱۰۳۲/۳؛ ابن سعد، ۲۹۰/۱؛ نیز نک: بلاذری، فتوح، ۸۱/۱)، ظاهراً تا مدتها بعد همچنان نزد اهالی موجود بوده است (طبری، ۱۰۸/۳؛ مقدسی، ۱۵۲)، اما با توجه به برخی قراین، اصالت متن کنونی، اندکی تردیدآمیز به نظر می رسد (ابوصفیه، ۷۷/۱-۷۹؛ قس: EI¹). در یک حدیث نبوی نیز به نام اذرح تصریح شده است (نک: احمد بن حنبل، ۲۱۲، ۲۱۵؛ بخاری، ۲۰۷/۷).

حادثه دیگری که موجب شهرت اذرح در تاریخ اسلام شده، به دوران خلافت امیرالمؤمنین علی (ع) باز می گردد. در جنگ صفین که لشکریان شام به نیرنگ عمرو بن عاص، قرآن بر سر نهادند و دو سپاه را به حکمیت فرا خواندند، پس از کشمکشهای فراوان، سرانجام میان دو طرف، معاهده ای امضا شد که بر اساس آن، نمایندگان دو سپاه - ابوموسی اشعری از سوی عراقیان و عمرو بن عاص به نمایندگی شامیان - می بایست در نقطه ای میان حجاز و عراق و شام، برای «حکمیت» گرد آیند (نک: نصر بن مزاحم، ۵۰۶؛ بلاذری، انساب، ۳۳۵/۲) و ظاهراً اذرح جای مناسبی برای این منظور بود. در برخی گزارشهای دیگر از این معاهده، به منطقه دومة الجندل و اذرح تصریح شده است (نک: ابن سعد، ۳۲/۳؛ طبری، ۵۷/۵؛ ابن اعثم، ۱۵/۴). به هر روی، پس از جنگ صفین دو حکم با جمعی دیگر از بزرگان اصحاب در اذرح فراهم آمدند (نصر بن مزاحم، ۵۴۶؛ بلاذری، همان، ۳۴۳/۲-۳۵۱). در شعری نیز که ذو الرمه (ص ۲۷۳) در مدح ابوبرده بن ابی موسی اشعری سروده، اشاره به «ایام اذرح» کرده که ناظر به همین ماجراست (نیز نک: یاقوت، ۱۷۵/۱).

بنابر برخی گزارشها (طبری، ۳۲۴/۵؛ ابوعبید، ۱۳۰/۱؛ ابن خلکان، ۶۶/۲؛ ذهبی، ۱۴۶/۳)، امام حسن (ع) با معاویه در همین مکان صلح کرد؛ ولی با توجه به دیگر مأخذ معتبر - که بنابر آنها مراحل صلح، در عراق و به گفته برخی در کوفه انجام شده است - این نکته بعید به نظر می رسد (برای نمونه، نک: دینوری، ۲۱۸؛ بلاذری، همان، ۴۳-۴۲/۳؛ ابن اعثم، ۱۶۱/۴).

اذرح، همچون مآب، معان، تبوک و مدین از سرزمین شراه به شمار می آمد (نک: اصطخری، ۵۸؛ مقدسی، ۱۳۶). اما از ویژگیهای جغرافیایی آن، مأخذ آگاهی چندانی به دست نمی دهند. وجود چشمه های جوشان آب که آثار باقی مانده آن را وصف کرده اند (برونو، I/443)، نشان از سرسبزی و خرمی آن منطقه دارد و ظاهراً همین خصیصه، بجز اهمیت که اذرح به سبب واقع شدن میان حجاز و عراق و شام داشته، از وجوه امتیاز آن محسوب می شده است. با کم اهمیت شدن این منطقه، در مأخذ، از سده ۶ق به بعد، تنها به نام اذرح و برخی وقایع تاریخی مذکور اشاره شده است.

(نک: طوسی، الخلاف، ۹۳/۱). فصول و عبارات اقامه به جز یک ذکر، با اذان همسان است و آن ذکر خاص، عبارت «قد قامت الصلاة» است که خبر دادن از برپایی نماز است و به اتفاق مذاهب در اقامه پیش از تکبیر و تهلیل پایانی گفته می شود. نزد امامیه، اقامه دو تکبیر در آغاز و یک تهلیل در پایان نسبت به اذان کمتر دارد و عبارت قد قامت الصلاة دوبار گفته می شود و نزد حنفیان تمامی اذکار اقامه دو دو (مثنی) خوانده می شوند. نزد مالکیان همه عبارات اقامه از جمله ذکر قد قامت الصلاة یک بار گفته می شوند و قول حنبلیان و قول مشهور نزد شافعیان دوبار گفتن ذکر قد قامت الصلاة و یک بار گفتن دیگر اذکار اقامه است (نک: طوسی، همان، ۹۱/۱؛ ابن هبیره، ۸۱/۱).

مأخذ: ابن بابویه، محمد، علل الشرائع، نجف، ۱۳۸۶ق/۱۹۶۶م؛ همو، من لایحضره الفقیه، به کوشش حسن موسوی خراسان، بیروت، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م؛ ابن خزیمه، محمد، صحیح، به کوشش محمد مصطفی اعظمی، بیروت، ۱۹۷۱-۱۹۷۹م؛ ابن رشد قرطبی، محمد، بدایة المجتهد، بیروت، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م؛ ابن سعد، محمد، «الطبقات الکبری»، شرح حال امام حسن (ع)، تراثا، قم، ۱۴۰۸ق، شد الا ابن قاسم، عبدالرحمان، المدونة الکبری، بغداد، مکتبة المثنی؛ ابن ماجه، محمد، سنن، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، استانبول، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م؛ ابن هبیره، یحیی، الانصاح، حلب، ۱۳۶۶ق/۱۹۴۷م؛ ابن همام، محمد، فتح القدر، قاهره، ۱۳۱۹ق؛ ابوداود سجستانی، سلیمان، سنن، استانبول، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م؛ ابو عبدالله علوی، محمد، الاذان یحیی علی خیر العمل، به کوشش یحیی عبدالکریم، دمشق، ۱۳۹۹ق/۱۹۸۹م؛ ابوعبید، قاسم، غریب الحدیث، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۴ق/۱۹۶۵م؛ احمد بن حنبل، مسند، قاهره، ۱۳۱۳ق؛ بخاری، محمد، صحیح، استانبول، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۱م؛ ترمذی، محمد، سنن، استانبول، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م؛ جزیری، عبدالرحمان، الفقه علی المذاهب الاربعه، قاهره، الطبعة التجاریه؛ حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۴ق؛ دارقطنی، علی، سنن، بیروت، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م؛ دارمی، عبدالله، سنن، استانبول، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م؛ سید مرتضی، علی، الانتصار، نجف، ۱۳۹۱ق/۱۹۷۱م؛ شافعی، محمد، الام، به کوشش محمد زهری نجار، بیروت، دارالمعرفه؛ شربینی، محمد، مفتی المحتاج، قاهره، ۱۳۵۲ق؛ شهید ثانی، زین الدین، الروضة البهیة، بیروت، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م؛ طبرانی، سلیمان، المعجم الکبیر، به کوشش حمدی عبدالمجید سلفی، بغداد، ۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م؛ طوسی، محمد، الاستبصار، به کوشش حسن موسوی خراسان، نجف، ۱۳۷۵ق؛ همو، تهذیب الاحکام، به کوشش حسن موسوی خراسان، نجف، ۱۳۷۹ق؛ همو، الخلاف، تهران، ۱۳۷۷ق؛ همو، النهاية، به کوشش محمد تقی دانش پزوه، تهران، ۱۳۴۲ش؛ قاضی نعمان، دعائم الاسلام، به کوشش آصف فیضی، قاهره، ۱۳۸۹ق؛ قرآن مجید؛ کاسانی، علاء الدین، بدائع الصنائع، قاهره، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م؛ کلینی، محمد، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، بیروت، ۱۴۰۱ق؛ محقق حلی، جعفر، شرائع الاسلام، نجف، ۱۳۸۹ق/۱۹۶۹م؛ محلی، جلال الدین، «شرح منهاج الطالبین»، همراه حاشیه علی شرح منهاج الطالبین شهاب الدین قلیوبی، قاهره، مطبعة عیسی البابی الحلبی؛ مسلم بن حجاج، صحیح، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، استانبول، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م؛ مفید، محمد، المقننه، قم، ۱۴۰۱ق؛ نسایی، احمد، سنن، استانبول، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م؛ نظام الملک، حسن، سیاست نامه، به کوشش هیوبرت دارک، تهران، ۱۳۴۷ش؛ نیز:

Becker, C. H., «Zu Geschichte des islamischen Kultus», *Der Islam*, Berlin, 1912, vol. III; EI²; Goldziher, I., «Van den Berg's Fath al-Qarib», ZDMG, 1865, vol. XLIX.

عبدالامیر سلیم

آذُرِح ناحیه ای در غرب اردن که به سبب چند حادثه تاریخی در صدر اسلام، شهرت یافت. اذرح میان دو شهر معان و پترا (بطرا، البتراء) قرار داشت و از اردوگاههای مهم لشکریان روم به شمار

Adhruh

Adhruh (Udhruh in much modern scholarship) is a small town in southern Jordan, about fifteen kilometres east of Petra. Ptolemy included an Adrou (Αδρου) among the towns of Arabia Petraea, and Arab geographers confirm that it was a principal town of the surrounding Sharāt region (Le Strange, 35, 39, 384). It was the location of a large Roman fort, the remains of which still stand. Ḥamza al-İşfahānī (d. 350–60/961–71) suggested that this fort was built by the Ghassānids (Ḥamza, 117), although the existence of a Latin dedication inscription commemorating work undertaken during the reign of Diocletian (284–305 C.E.) would seem to remove this possibility. One of the Petra papyri of the sixth century C.E. (inv. 83), however, does attest to a Ghassānid presence in the area. A late Roman church has also been found southwest of the fort.

After Tabūk fell to Muḥammad in 9/630, representatives of Adhruh came there seeking a treaty in return for payment of the *jizya*. Al-Wāqidī (d. 207/822) provides the purported text of that treaty, and al-Muqaddasī (d. c. 390/1000) states that the inhabitants kept a copy (al-Wāqidī, 1032; al-Muqaddasī, 178). The town was a possible location of the famous arbitration meeting of 37/658 or 38/659 between representatives of Mu‘āwiya b. Abī Sufyān (caliph 41–60/661–80) and ‘Alī b. Abī Ṭālib (caliph 35–40/656–61), and Mu‘āwiya is said to have received the oath of allegiance (*bay‘a*) there from al-Ḥasan b. ‘Alī (d. 49/669–70) in 41/661 (al-Ṭabarī, 1:3341, 3354, 3407, 2:198; al-Bakrī, 130). Evidence for habitation at Adhruh itself is rarer after the fourth/tenth century. One of the Arabic Christian inscriptions found in the church, however, is dated to the eighth/fourteenth century,

and the undated Ottoman fort on the site attests to Adhruh’s continuing importance as a stopping place on the pilgrim route to Mecca.

BIBLIOGRAPHY

al-Bakrī, *Muḥjam mā istaḥjam*, ed. Muṣṭafā al-Saqqā (Cairo 1945–51), 130–1; Ḥamza al-İşfahānī, *Kitāb ta’rīkh sinī mulūk al-arḍ wa-l-‘anbiyā’*, ed. I. M. E. Gottwaldt (Leipzig 1844–48), 1:117; al-Muqaddasī, *Aḥsan al-taqāsīm fi ma’rifat al-aqālīm*, ed. M. J. de Goeje (Leiden 1906²), 54, 155, 178; al-Ṭabarī, *Ta’rīkh al-nusul wa-l-mulūk*, ed. M. J. de Goeje et al. (Leiden 1879–1901), 1:1702, 3341, 3354, 3407, 2:198; Muḥammad b. ‘Umar al-Wāqidī, *Kitāb al-maghāzī*, ed. Marsden Jones (London 1966), 1031–2; Yāqūt, *Muḥjam al-buldān*, ed. Ferdinand Wüstenfeld (Leipzig 1866), 1:174–5; Guy Le Strange, *Palestine under the Moslems. A description of Syria and the Holy Land from A.D. 650 to 1500*, London 1890; David Kennedy and Hani Falahat, *Castra Legionis vi Ferratae*. A building inscription for the legionary fortress at Udhruh near Petra, *Journal of Roman Archaeology* 21 (2008), 150–69; Zeyad al-Salameen, Hani Falahat, Salameh Naimat, and Fawzi Abudanh, New Arabic-Christian inscriptions from Udhruh, southern Jordan, *Arabian Archaeology and Epigraphy* 22/2 (2011), 232–42.

HARRY MUNT

Ahmed Şemseddin b.
İsa Marmaravi Yiğitbaşı

Ahmed Şemseddin b. İsa Marmaravi Yiğitbaşı (Aḥmad Shams al-Dīn b. ‘Isā Marmarawī Yiğitbāshī) (839–910/1435 or 1436–1504) was the founder of the Ahmediyye (Aḥmadiyya)—also called Yiğitbaşıyya or Orta Yol (Turk., the modest way)—one of the four basic branches of the Khalwatiyya (Halvetiyye), a Şūfī order originating in the eighth/fourteenth century in northeastern Persia and whose branches developed in Turkey, the Middle East, and eastern Europe